



آبان پرماجرا

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس می گوید نظام سلطه آبان ۵۷ را ماه ننگ خود نزد ملت می داند

۱۰

یکشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۱ • ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۴۴ • سال سیام • شماره ۸۶۴۳

پرنده آبی در وضعیت قرمز

روندی که ایلان ماسک در مدیریت توئیتر در پیش گرفته باعث شده است تا کاربران نگران مرگ این شبکه اجتماعی شوند

۱۱



تجهیز خانه‌ها برای جلوگیری از مرگ خاموش

طرح بررسی میزان خطر گاز گرفتگی در منازل شهروندان توسط نیروهای آتش نشانی آغاز شد

۱۲

هلمشهرتک جامعه



عکس: هوشیاری امیر رشتی

دخترانی که دوست دارند «آن شرلی» شوند

یک روز در «خانه حنان»، کنار بچه‌هایی که می‌خواهند عضوی از یک خانواده باشند



از آبروداری و کدبانوگری دختران خردسالش ذوق زده شده و با فخر فروشی مادرانه اتاق‌های آراسته آنها را نشان‌مان می‌دهد، روختنی و روبالشی‌های رنگارنگ دختران مرتب است و در خانومانه به کار رفته است. مریبان جوان خانه پذیرایی از مهمانان را تمام و کمال به بچه‌ها سپرده‌اند.

خواهر بزرگ خانه

وقتی «لیلا» و «زهرا» با بساط پذیرایی به هال می‌آیند و مشغول چیدن میوه و شربت روی میز می‌شوند، خانم مدیر و مریبان با حظ و لذت تماشاچیشان می‌کنند. لیلای ۱۰ساله فقط یک سال از زهرا بزرگ‌تر است، اما از خواهرش و دیگر دختران خانه فرز تر و فلفلی‌تر است. لیلای زهرا فرزند پدر و مادری هستند که به اجبار ست‌ها در ۱۵ و ۱۳سالگی با هم ازدواج کرده‌اند. آنها پس از چند سال زندگی مشترک از هم جدا شدند و دختران ۳ و ۴ساله خود را در ترمینال جنوب رها کردند. لیلای خواهرش در طول چند سالی که در شیرخوارگاه‌های پهن‌بستی زندگی می‌کردند با رفتارهای عجیب و غریبشان انان همه مریبان را بریده بودند. آنها با دیدن غذا آرامش خود را از دست می‌دادند و نمی‌توانستند

اما و اگرهای دخل و خرج خانه حنان

سنگ‌بنای «خانه حنان» در پژوهشگاه شرکت نفت گذاشته شده است. تعدادی از اعضای هیأت‌مدیره خانه حنان حدود ۳دهه پیش در این پژوهشگاه همکار بودند و به تحقیق و پژوهش درباره صنعت نفت می‌پرداختند، اما تنها انقافی که مستحکی از مایش‌ها و پژوهش‌های علمی را از زن و روح‌شان می‌تکاند، مرهم گذاشتن بر زخم‌های دل کودکان آسیب‌دیده بود. ماجرای با گرفتن خانه حنان و خدمات این خانه را از زبان اعضای هیأت‌مدیره «مؤسسه خیریه پژوهش حنان» پیش‌نویس، مصطفی فدایی، فریبا راه حق، الهه ابراهیم پورضیایی، مرثیه حسینی، محمود ولی‌زاده، فرشته حسن آبادی و علی‌اکبر تقویان اعضای هیأت‌مدیره این خیریه هستند.

نکته

همکاری شما در فعالیت‌های پژوهشی حوزه نفت و انرژی، چطور به همکاری در حوزه‌های اجتماعی رسید؟

فدایی: سابقه فعالیت مؤسسه خیریه پژوهش حنان به سال ۱۳۷۰ برمی‌گردد. آن زمان که در پژوهشگاه نفت همکار بودیم نسبت به سرنوشت کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست دغدغه داشتیم وجویی کمک به این کودکان یک گروه مردم‌نهاد خیرخواهانه تشکیل دادیم. این گروه اسفند سال ۹۴ ثبت شد و تا اردیبهشت ۹۶ فعالیت آن در کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده منتمرکز شده بود. وقتی سازمان بهزیستی تصمیم گرفت مراکز شبسه‌خانواده را به بخش خصوصی واگذار کند، عده‌ای از دوستان به ما که در این زمینه شناخته شده بودیم، پیشنهاد کردند اداره شبه‌خانواده شهید فرغامی را بپذیریم. این مرکز به‌دلیل سن حساسی کودکان پذیرفته شده از اهمیت خاصی برخوردار بود.

چرا در نام خیریه حنان، عبارت «پژوهش» ذکر شده است؟

ضیایی: ما در پژوهشگاه شرکت نفت عمری را به تحقیق و پژوهش گذرانده‌ایم و حتی در مورد آسیب‌های اجتماعی هم جست‌وجویی محققانه داریم و به موازات تلاش برای بهبود زندگی افراد آسیب‌دیده، شناخت علل و کاهش آسیب‌های اجتماعی را هم از وظایف خود می‌دانیم. کلمه «پژوهش» تلنگری برای ماست که رسالت خود در پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی را فراموش نکنیم. یک‌دکام‌یک از خدمات خیریه را بزرگ‌ترین دستاورد آن می‌دانیم؟

راه‌حق: بارها عده‌ای به ما خرده گرفتند و گفتند چرا هزینه‌ای را که

ترک کند. آنها می‌خوانند خانه و وسایل زندگی در اختیارشان قرار دهند تا بتوانند در کنار هم و به‌خوبی زندگی کنند.

غصه بزرگ دختران حنان

گویا سونیا صبح شیطنتی کودکانه کرده و نگران است که هنوز هم خانم مدیر از او دلگیر باشد. سونیا با هر جمله حکیمانه‌ای که می‌گوید زیر چشمی به مریبان‌ش نگاه می‌کند و با دیدن لبخندهای پر از تحسین آنها خاطر جمع می‌شود برای به‌دست آوردن دل خانم مدیر محبوب خود به خطا نمی‌رود. وقتی خانم مدیر او را در آغوش می‌گیرد و می‌بوسد، لبخند روی صورت معصوم سونیا پهن می‌شود. پدر سونیا سال‌ها پیش آنها را ترک کرده و برادر خردسالش هم گم شده است. مادر سونیا با زباله‌گردی زندگی خود و دخترش را اداره می‌کرد. سونیا ۷ساله‌که از خوابیدن لابه‌لای زباله‌های پدسو و خوردن غذاهای ته‌مانده از ششکار حیوان بر زمین می‌ماند و او با آن شکم خودش و مریم خردسالش را سیر کند. حتی یک شب شاهد بوده که مادرش چطور با شالی گرسنه گل‌اوزن شده تا جان دخترش را حفظ کند. مریبان خانه حنان، مادر مریم را به کمک توافق برادر گمشده‌اش را پیدا کرد. او این روزها

می‌توان برای بهبود معیشت چند خانواده خرج کرد، صرف نگهداری ۳۱ دختر بی‌سرپرست و بدسرپرست می‌کنید؛ در حالی‌که ما به این خانه به عنوان مرکز پرورش ۳۱نسل می‌نگریم. کمک‌های مالی و معیشتی نگرش و شخصیت‌ها را تغییر نمی‌دهد. تقریباً همه دختران حنان وقتی به اینجا آمدند دوست داشتند با بگر با خواننده یا آراشگر شوند، ولی حالا فقط به این شغل‌ها گرایش ندارند و بسیاری از آنها آرزو دارند پزشک، معلم، مهندس یا هنرمند شوند. الان ۴دختر ما در هنر معرق و کاشی مدرک فنی‌وحرفه‌ای دریافت کرده‌اند و در بازارچه‌های کارآفرینی محصولات خود را عرضه می‌کنند.

مرکز شهید ضراغامی برای نگهداری دختران ۷ تا ۲۳ساله تأسیس شده، ولی دختران نوجوان هم اینجا زندگی می‌کنند.

حسن آبادی: یکی از مشکلات سیستم بهزیستی در نظر گرفتن ۱۸سال برای مستقل و جدا شدن بچه‌ها از خانواده بهزیست است. بسیاری از جوانان در این سن آمادگی لازم برای ورود به جامعه را ندارند و دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند. دختران بزرگ‌سال خانه حنان در همین مرکز بزرگ شده‌اند و رسیدن به سن انتقال از این مرکز باعث نگرانی آنها شده بود. ما برای ایجاد آرامش در کودکان خانواده حنان مکانی را برای زندگی دختران بزرگ‌سال خانه در نظر گرفتیم تا فرزندانمان احساس اساس کنند اینجا خانه آنهاست و مانند هر خانه دیگری بچه‌ها فقط پس از ازدواج و تشکیل خانواده از آن جدا می‌شوند.

نوجوانان مجموعه نگران مشکلات مالی خیریه بهیستند. این مشکلات ممکن است به تعطیلی شبه‌خانواده بینجامد؟

تقویان: خیران زیادی با خانه حنان همکاری می‌کنند که به برکت کمک‌های آنها در زمینه تهیه خوراک، پوشاک و نوشت‌افزار بچه‌ها هیچ مشکلی ندارند. ولی این خیران تمایلی ندارند کمک‌های آنها صرف مواردی مانند پرداخت اجاره‌بها به بهزیستی شود. اصلاح‌فلسفه دریافت اجاره‌بها از مراکز خدماتی واگذار شده بهزیستی که فعالیت اقتصادی ندارند واقعاً جای سؤال دارد و قابل توجیه نیست. خیریه در تأمین نقدپنگی برای پرداخت اجاره‌بهای مرکز و حقوق مریبان و کارکنان با محدودیت‌های زیادی روبه‌روست.

کودکان عضو خانه چگونه پذیرش می‌شوند؟

حسینی: خیریه به مدیریت بخش خصوصی و زیر نظر بهزیستی اداره می‌شود و فقط مجاز به پذیرش کودکانی است که پس از طی مراحل قانونی از سوی بهزیستی به این مرکز سپرده می‌شوند.

خلاصه گزارش

سرهنگ سعیدالله کزافی

یادداشت

سارقان تلفن همراه را چگونه ناکام بگذاریم؟

سرقت تلفن همراه یا گوشی‌قایی از جمله سرقت‌های رایجی است که هر روز برای افراد مختلف اتفاق می‌افتد و مشکلاتی را برای آنها به‌وجود می‌آورد. در بسیاری از مواقع سسل انگاری صاحبان تلفن همراه از نگهداری اموال خود، زمینه سوءاستفاده سارقان را به‌وجود می‌آورد. رعایت نکات زیر در پیشگیری از سرقت تلفن همراه و کاهش این جرم تأثیر بسزایی دارد:

■ اگر در حال پیاده‌روی هستید، تلفن همراه خود را در محلی قرار دهید که سارقان دسترسی نداشته باشند؛ محل‌هایی مانند جیب پشت شلوار که محتویات آن در معرض دید قرار می‌گیرد، مکان مناسبی به شمار نمی‌آید و بهتر است برای گذاشتن گوشی از کیف یا جیب جلوی شلوار استفاده کنید.

■ در بسیاری از مواقع افراد هنگام حرکت، تلفن همراه خود را در دست می‌گیرند یا بدون توجه به شرایط محیط، مشغول مکالمه می‌شوند که زمینه سوءاستفاده مجرمان را به‌وجود می‌آورد. هیچ‌وقت گوشی را در دست خود نگه ندارید و در خیابان‌ها و اماکن عمومی و کوچ‌های خلوت و تاریک سعی کنید گوشی تلفن همراه را از جیب خود خارج نکنید. در این موقعیت‌ها در صورتی که تماس ضروری داشتید، از هندزفری استفاده کنید.

■ در چند سال اخیر یکی از رایج‌ترین روش‌های سرقت گوشی، سرقت از داخل خودرو هنگام توقف در ترافیک و پشت چراغ راهنمایی بوده است. هنگامی که در ترافیک و راهنبان گرفتار شده‌اید، برای جلوگیری از سرقت گوشی، بهتر است شیشه‌های ماشین خود را ببندید یا گوشی را در دستی بگیرید که نزدیک پنجره نباشد. موقع حضور در خودرو، برای مکالمه از نگهدارنده‌های موبایل استفاده کنید. البته باید نگهدارنده در جای مناسبی نصب شود که گوشی شما

از دسترس سارقان دور بماند. گاهی سارقان به بهانه پرسیدن آدرس یا دلایل مشابه به شما نزدیک می‌شوند تا در فرصت مناسب و با سوءاستفاده از غفلت شما، مرتکب سرقت شوند. در چنین مواقعی هوشیاری شما این افراد سودجو را در اجرای نقشه‌شان ناکام می‌گذارد.

■ رانندگان نباید تاکسی و وسایل نقلیه عمومی گوشی خود را نباید در دسترس و معرض دید سر نشینان قرار دهند و آن را در جیب یا کیف خود نگهداری کنند. بهتر است هنگام صحبت، انگشت اشاره روی قسمت بالایی گوشی قرار بگیرد تا از کشیدن گوشی توسط سارقان جلوگیری شود.

■ زمانی که در مکان‌های عمومی مشغول تماس تلفنی هستید، حتماً به محیط پیرامون تسان توجه داشته باشید. به موتورسیکلت‌هایی که ۲یا چند راگب دارند و عمدتاً با پلاک مخدوش یا پوشیده در حال حرکت یک‌طرفه هستند، دقت کنید و مراقب باشید که قصد سرقت نداشته باشند. بسیاری از سارقان از لباس و پوششی با رنگ تیره استفاده می‌کنند و اغلب سارقان تلفن همراه در فاصله سنی ۱۵ تا ۲۵سال قرار دارند.

■ یک روش مناسب برای جلوگیری از سرقت گوشی استفاده از اپلیکشن‌های تلفن‌یاب است. این اپلیکشن‌ها که با یافتن یک مسیری یا مکان موردنظر به شما کمک می‌کنند، می‌توانند در جلوگیری از سرقت موبایل نیز کارآمد باشند و امکانات خوبی برای ردیابی گوشی مفقود شده دارند؛ به‌عنوان مثال، ال‌رام‌های ضدسرقت، قفل ضدسرقت گوشی، کنترل از راه دور یا ارسال پیام از قابلیت‌های متنوع این نوع برنامه‌هاست.

■ این نکته را فراموش نکنید که حفظ جان شما، از حفظ اموال‌تان اهمیت بیشتری دارد و در شرایطی که با سارق برخورد می‌کنید، برای در امان ماندن تلفن همراه‌تان نباید جان‌تان را به خطر بیندازید یا با آنها درگیر شوید. زمانی که سارق به شما نزدیک می‌شود و قصد سرقت گوشی را دارد، درصورتی که امکان گریز و فرار نداشتید، گوشی خود را به داخل نزدیک‌ترین منزل پرتاب کنید یا از زیر در به داخل خانه بیندازید تا سارق در اجرای تصمیمش موفق نشود.

■ زمانی که مورد سرقت قرار می‌گیرید، در اسرع‌وقت موضوع را به پلیس اطلاع دهید.



در مورد آسیب‌های اجتماعی هم جست‌وجویی محققانه داریم و به

موازات تلاش برای

بهبود زندگی افراد

آسیب دیده، شناخت

علل و کاهش

آسیب‌های اجتماعی

را هم از وظایف خود

می‌دانیم. کلمه

«پژوهش» تلنگری

برای ماست که

رسالت خود در

پیشگیری و درمان

آسیب‌های اجتماعی

را فراموش نکنیم.

■

بارها عده‌ای به ما

خرده گرفتند و گفتند

چرا هز پنه‌ای را که

می‌توان برای بهبود

معیشت چند خانواده

خرج کرد، صرف

نگهداری ۳۱دختر

بی‌سرپرست

و بدسرپرست

می‌کنید. در حالی

که ما به این خانه

به‌عنوان مرکز

پرورش ۳۱نسل

می‌نگریم.

کمک‌های مالی و

معیشتی نگرش و

شخصیت‌ها را تغییر

نمی‌دهد. تقریباً همه

دختران حنان وقتی به

اینجا آمدند دوست

داشتند با بگر یا

خواننده یا آرایشگر

شوند، ولی حالا

فقط به این شغل‌ها

گرایش ندارند و

بسیاری از آنها آرزو

دارند پزشک، معلم،

مهندس یا هنرمند

شوند.

■

سونیا در خانه حنان

بسیاری از چیزهایی

را که سال‌ها نداشت

به دست آورده؛

لباس‌های شستگ،

غذاهای خوب،

خاله‌ها و عموهای

دلسوز، ولی هیچ چیز

حسرت او برای آغوش

گرم پدر و مادری

مهربان را کم نکرده

است. سونیا آرزو

دارد خدا به او پدري

بدهد که دخترش را

به اندازه ستاره‌های

آسمان دوست داشته

باشد.

■

این روزها یک نگرانی

بزرگ بار غصه‌های

دختران نوجوان خانه

حنان را سنگین‌تر

کرده است. آهو

دختران شنیده‌اند و

دست خانم مدیر و

مسئولان خانه حنان

برای تأمین مخارج

بچه‌ها تنگ شده و

اگر نتوانند از پس

زنگ‌های خانه

برآیند، اینجا تعطیل

شده و آنها در مراکز

بهزیستی مختلف

تقسیم می‌شوند.